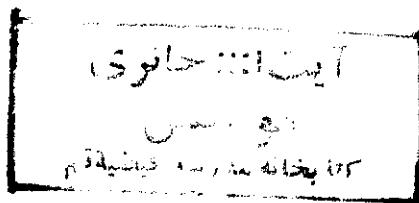


از : مهدی روشن ضمیر
(دکتر در خاورشناسی)

آثار غوریان



یکی از خاندان‌های ایرانی و سلسله‌های شاهان محلی خواز زمین دودمان غوری شنسبی است که از سده‌های پیش از اسلام تا آغاز قرن سیزدهم میلادی در سرزمین غور، از هرات تا غزنی، فرمانروایی داشته و در پایان حکومتشان بر بخشی از شمال هندوستان نیز استیلا یافته‌اند.

دوران سلطنت فرمانروایان غوری یکی از پرسیرو صد اترین دوره‌های تاریخ بخشی از شرق ایران است. امیران غوری در آغاز یورش عربها بادلیری و مردانگی از سرزمین خویش دفاع کرده و اجازه ندادند تابیگانگان بر سرزمینشان چیرگی یابند و سرانجام پس از آنکه دین اسلام را پذیرفتند تا سال ۶۱۲ هجری قمری که حکومتشان ادامه داشت، پادشاه فرهنگ و تمدن ایرانی و مدافع سرخست آزادی و حفظ هنر و آداب خویش بودند.

در کتابهای تاریخ ایران متاسفانه تاکنون مطالب مهم و علمی درباره این دودمان نوشته نشده است.

خوشبختانه از چندی پیش چند نفر از باستانشناسان و

تاریخدانان هندی و افغانی و اروپائی پژوهش‌هایی در این زمینه نموده‌اند که بسیار مورد استفاده نگارنده قرار گرفته است.

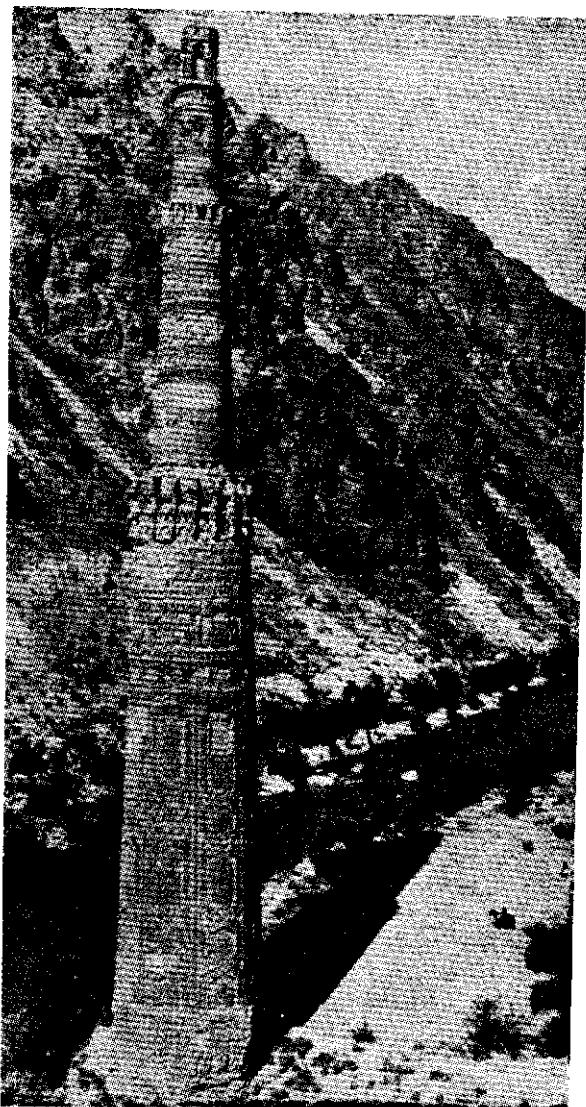
غیاث الدین محمدیکی از شاهان دودمان غوری در رجب سال ۵۵۸ ه ق به سلطنت رسیده است. از بنای‌های معروف‌وی، که خوشبختانه باقی مانده است، یکی منار جام است که بفرمان وی ساخته شده و در مرکز سرزمین غور یعنی فیروزکوه واقع است.

این بنا یکی از آثار پر ارزش و زیبای قرن دوازدهم میلادی میباشد که از لحاظ هنر معماری، آجرکاری و کاشیکاری، یکی از بهترین شاھکارهای دوران اسلامی آن زمان بشمار می‌رفته است و اکنون نیز یکی از مراکز جهانگردی کشور دوست و هم‌جوار ما افغانستان بحساب می‌آید. (ش ۱)

این بنای تاریخی از بلندترین نمونه‌های سبک خود بوده به بلندی ۶۳ متر و قطر پایه هشت متر در کنار هریرود قرار گرفته است و تا بیست و یک سال پیش، جز در افسانه‌ها، از وجود آن اطلاعی وجود نداشت. در سال مذبور کاوش‌های یکی از باستان‌شناسان بلژیکی بنام آندره ماریک André Maricq عضو هیئت ایاستان‌شناسی فرانسه در افغانستان با شرکت احمد علی کهزاد رئیس انجمن تاریخی افغانستان، در محل مذبور حاضر و مشغول کارهای علمی گردیدند. منار جام در کنار هریرود و به صورت انفرادی قرار گرفته است و در اطراف آن جز آثاری که باستان‌شناسان در حفاری‌ها بدست آورده‌اند، اثری از ساختمان وجود ندارد فقط در ارتفاعات کوههای دوسوی دره هریرود نشانه‌هایی از بقایای برج‌ها و باروها بچشم می‌خورد.

شهر فیروزکوه که امروز اثری از آن نمانده و این منار در آن قرار گرفته بوده است بسبب سیل‌های متواتی و بویژه در حمله مغول بکلی خراب و نابود شده است.

فیروزکوه در سال ۵۴۳ هجری هنوز بصورت شهر در نیامده و بنام قلعه فیروزکوه معروف بوده است. در آن سال قطب الدین محمد آن قلعه را، که تازه به او و اگذار شده بود، رها کرد و بنای نیمه تمام



(شکل ۱)
منار جام در کنار
هریرود

آنرا بپایان نرسانیده به غزنی رفت.^۱

مدتها بعد هنگامیکه بهاءالدین سام در محرم سال ۵۴ هجری (= ماه مه ۱۱۴۹ م) به فیروزکوه آمد و زمام امور آن منطقه از سرزمین غور را بدست گرفت دستور داد تا ساختمان قلعه و بقیه شهر فیروزکوه را که ناتمام مانده بود، آذنواغاز کنند و بالاخره از این سال ببعد فیروزکوه بعنوان پایتخت بهاءالدین سام و سایر سلاطین غوری انتخاب گردید.

در اینکه منار جام واقعا در شهر فیروزکوه قرار گرفته و اینکه این شهر در این محل واقع شده بوده است اختلاف نظر وجود دارد. از جمله دوست گرامی و دانشمند آقای دکتر غلام جیلانی داوری در نشریه آریانا شماره ۳۳ نمره ۱ محل فیروزکوه را در جای دیگر بنام تیوره *Taiwara* دانسته‌اند ولی دلایل ایشان بهیچوجه بسند نیست. اما دلایلی چند برآنکه شهر فیروزکوه در محل کنو نی منار جام یعنی در دره هریورد قرار داشته است:

قبل از هرچیز باید گفته شود ، از نام فیروزکوه برمی‌آید که این شهر در منطقه کوهستانی بنا شده است .

از طرفی بنای منار به آن عظمت و زیبائی نمیتواند در منطقه‌ای دورافتاده و گمنام که بگفته آقای جیلانی داوری «محل چند دیدبانگاه بوده»، قرار داشته باشد.

جوزجانی که یکی از مهمترین تاریخنویسان دربار شاهان غوری بوده و بگفته خودش تا سن ۱۸ سالگی در شهر فیروزکوه زندگی میکرده است، در کتاب خود طبقات ناصری چنین می‌نویسد:

— Auboyer, Jeannine : Afghanistan und seine Kunst, übertragen v. J. R. Chambon, Prague 1968, S. 61.

و همچنین جوزجانی ، منهاج سراج : طبقات ناصری چاپ کابل ۱۳۴۲ ش ج اول ص ۳۳۵ و خوافی ، محمد فصیح ...: مجله فصیحی چاپ مشهد ۱۳۴۱ ص ۶۰۵ ج ۲

«ملک‌الجیال قطب‌الدین محمد بن حسین ... بعد از آن او را چنان اتفاق افتاد که موضعی طلب‌کند تا قلعه حصین و موضع شگرف بنا کنند که مر حضرت راشاید با اطراف معتمدان فرستاد تارای او بر موضع فیروزکوه قرار گرفت قلعه و شهر فیروزکوه را بنا فرمود...»^۲

همین نویسنده در جای دیگر^۳ می‌نویسد :

«اما شهر فیروزکوه که دارالملک غور بود در شهر سنه سبع و عشر و ستمائه اقلان چربی با حشمت‌های مغل بدر شهر آمد و بیست و اندروز جنگ‌های قوی کردند و نامراد بازگشت خلق فیروزکوه با منک مبارز‌الدین سبزواری خلاف و خروج کردند و مبارز‌الدین بضورت به قلعه بالارفت و آن قلعه‌ای بود بر شمالی مشرقی شهر برس کوه بلند و شامخ و بدان موضع در عهد سلاطین غور یک قصر بزرگ بیش نبود ... امادرین عهد ملک مبارز‌الدین سبزواری آن قلعه را معمور کرده بوده و در دور سر آن کوه (باره) برکشید [ه] ... و مرد [ی] هزار را امکان مقام بودی و چون میان اهل شهر فیروزکوه و ملک مبارز‌الدین مخالفت افتاد مبارز‌الدین در قلعه با رفتن تمامی مردم اهالی شهر بخدمت ملک قطب‌الدین حسن طاب ثراه مکتوب نبشتند و آمدن او را استدعا نمودند و ملک قطب‌الدین با لشکر غور در فیروزکوه رفت ... در شهر سنه تسع [و] عشر و ستمائه ... و خلق (شهر) را به شهادت رسانیدند و مبارز‌الدین از قلعه بیرون شد و بطرف هرات رفت آنجا شهید شد و شهر فیروزکوه تمام خراب گشت .»

۲- جوزجانی، ج ۱ ص ۶ - ۲۲۵

۳- همان منبع ج ۲ ص ۱۳۲

چنانکه می بینیم در این دو جا جوزجانی شهر فیروزکوه و قلعه های شمال شرقی و اطراف آن را ، که در حال حاضر نیز در بلندیهای اطراف منار جام ، باقی مانده است با هم ذکر کرده و در یک محل دانسته است . همین مورخ در جای دیگر^۴ می نویسد :

«تاج الدین از هرات چون نزدیک تر بود بحضورت فیروزکوه
با لشکر خود بحضورت فیروزکوه درآمد از راه هریورد .»

در اینجا هم همانطور که ملاحظه میشود ، محل شهر فیروزکوه را نزدیک هرات نوشته اند . یعنی از گفته جوزجانی چنین بر می آید که تاج الدین یلدوز برای رسیدن به فیروزکوه از نزدیکترین و تنها راه هرات به فیروزکوه یعنی دره هریورد که منار جام و فیروزکوه در آن قرار داشته — استفاده کرده است در حالیکه تیوره تا دره هریورد و هرات فرنگها فاصله ندارد .

در جای دیگر هنگامیکه صحنه نبرد میان علاء الدین حسین و سلطان سنجر شرح داده شده است تاریخ نویسان میدان جنک را در محلی بنام او به یا بگفته جوزجانی «سه گوشه ناب» در دره هریورد ذکر کرده اند^۵ او به یا سه گوشه ناب بگفته همه مورخان در دره هریورد قرار داشته است و در حال حاضر هم او به درست در دره هریورد و میان هرات و منار جام قرار گرفته است . در هر حال تا بدست

۴- همان منبع ج ۱ ص ۳۵۵

۵- خوافی ، محمد فصیح : مجلل فصیحی ، چاپ مشهد ۱۳۴۱ ج ۲ ص ۶۰۳ / خواند میر ، غیاث الدین : حبیب السیر چاپ تهران ۱۳۳۳ ج ۲ ص ۶۴۴ هندوشاہ ، ملام محمد قاسم : تاریخ فرشته .

چاپ سنگی کانپور ۱۳۰۱ (۱۸۸۲) م / ۵۶ / راوندی ، محمد بن علی بن سلیمان : راحۃ الصدور و روایۃ السرور در تاریخ آل سلجوق چاپ تهران ۱۳۳۳ ص ۶-۱۷۵ / جوزجانی ج ۱ ص ۳۴۶ / نظامی عروضی سمرقندی : چهار مقاله تهران ۱۳۴۱ ص ۱۰۴ و ۱۳۲

آمدن مدارک کامل و دلایل علمی ما ناچاریم که محل فیروزکوه را، همانطور که آندره ماریک André Maricq و بوسورت C. E. Bosworth نیز توضیح داده‌اند، در دره هریروود و در کنار منار جام بدانیم. علاءالدین حسین نیز پایتخت خویش را در فیروزکوه قرار داده بود.^۶

این سلطان پس از آنکه به انتقام قتل برادرش غزنه راگرفته بخرا بی‌کشانید، چندتن سید را که در کشتن برادرش دست داشتند گرفته، دستور داد تا مقداری از خاک غزنه را درون توپرهایی بریزند و بگردان آنها آویزند سپس مجبور شان کرد تا توپرهایی مزبور را به فیروزکوه حمل کنند. در آنجا فرمان داد تا آن چند سید راگردان زدند و با آغشته کردن خاک غزنه باخون آنها بنای برجی را آغاز کنند.^۷

اتفاقاً آثار چند برج و باروهنوز هم در مقابل منار جام و در بالای صخره‌ها بنظر میرسد.

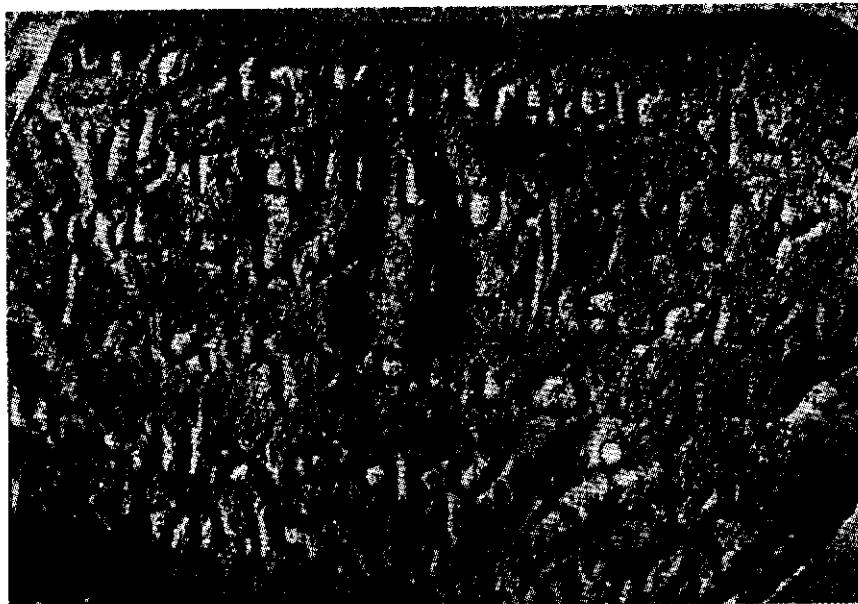
از دلایل دیگری که ثابت می‌کند محل منار جام همان فیروزکوه بوده است، پیدا شدن ناحیه یهودی نشین در این محل می‌باشد. توضیح آنکه یکی از باستان‌شناسان بنام آندره برونو André Bruno در نزدیکی منار جام سنگ نبسته‌ای بزبان عبری پیدا کرده است که متعلق به سنگ قبری می‌باشد. روی این سنگ تاریخ ۱۴۶۱ سلوکی بر این با ۵۴۴ هجری قمری و ۱۱۴۹ میلادی و نام و عنوان صاحب آن، شادان بن اسحق نقش یافته است.^۸ وجود این سنگ قبر و بعبارت دیگر گورستان یهود بانو شته جوزجانی در مورد وجود

۶— جوزجانی ج ۱ ص ۳۴۱

۷— همان منبع ص ۳۴۵

8— Gnoli, Gherardo: East and West, vol. 13, Nr. 4, Roma 1962, p. 311.

يهودیان در فیروزکوه و موقعیت آنها در زمان امیر بنجی نهاران بخوبی وفق میدهد .^۹ (ش ۲)



(شکل ۲)

سنگ قبر با برنوشته‌ی عبری متعلق به سال (۵۵۴ هجری قمری = ۱۱۴۹ میلادی)

از طرفی وجود محله یهودیان در این محل خود دلیل دیگری است بر رونق تجارت و داد و ستد در فیروزکوه .

در هر حال فیروزکوه تا اوآخر حکومت غوریان آباد بوده است.

۹- جوزجانی، ج ۱ ص ۳۲۵، برای بدست آوردن آگاهی بیشتر درباره موقعیت و محل فیروزکوه ، ر.ک

André Maricq : Le Minaret de Djam, Paris 1959 / Bosworth, C. E. : Central Asiatic Journal, vol. VI, Nr. 2, pp. 128ff. / Gnoli, G. : E. and W., Is.MEO, New Series, vol. 14, Nos 3—4, 1963, p. 209 / Gnoli, G. : Le Iscrizioni Giudeo - Persiane del Gur, Serie orientale Roma XXX 1964 / Afghanistan Journal Jg. 4, Heft 1, 1977.

غیاث الدین محمد پس از مرگ در مسجد جامع هرات که از بنای خود بوده است، بخاک سپرده شد ولی فیروزکوه همچنان به عنوان پایتخت سلاطین غور باقی مانده بود، چه مامیدانیم که مدتها بعد، غیاث الدین محمود در سال ۶۰۲ هجری برای تاجگذاری به فیروزکوه رفت و بمحض ورود در مسجد جامع حضور یافته و در مراسم نماز شرکت کرده است.^{۱۰}

در هر حال تا پایان سلطنت غیاث الدین محمود (سال ۶۰۶ هجری) فیروزکوه هنوز آباد و پایتخت آن سرزمین بوده است.

چنانچه گذشت، در شهر فیروزکوه مسجد جامع هم وجود داشته است که به احتمال نزدیک به یقین منار جام در داخل یا در کنار آن قرار گرفته بوده است.

همان طور که ذکر شد جوزجانی که خود در سن هیجده سالگی در فیروزکوه بوده است و نوشه های وی بهترین و مهمترین منبع و مأخذ برای ما میباشد درباره مسجد جامع این شهر چنین اظهار میدارد: هنگامیکه معزالدین در هندوستان فتوحاتی کرده بود، از شهر آجمر هدا یائی برای برادرش غیاث الدین به فیروزکوه فرستاد. از جمله این هدایا «چند حلقه زرین که دایره آن پنج گز در پنج گز بود و دو کوس زرین که بر گردون آوردند. سلطان غیاث الدین آن حلقه وزنجیر و خربزه^{۱۱} در پیش طاق مسجد جامع فیروزکوه بفرمود تا بیا و یختند و چون مسجد جامع را سیل خراب کرد آن کوس و حلقه و زنجیر را به شهر هرات فرستادند^{۱۲}...»

در سپتامبر سال ۱۹۶۰ یکی از اعضاء هیئت باستان‌شناسان

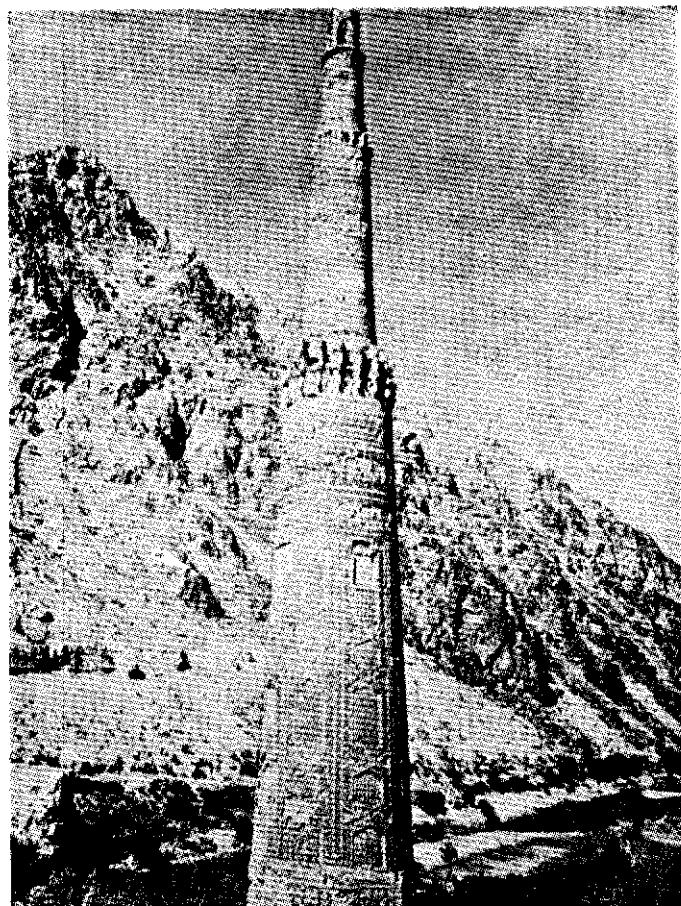
۱۰- ابن‌الثیر: *الکامل فی التاریخ* چاپ بیروت ج ۱۲ ص ۲۲۴ / جوزجانی ج ۱
ص ۳۷۳ / جوینی: *تاریخ جوینی* ص ۶۲

۱۱- جریده^۹

۱۲- جوزجانی ج ۱ ص ۳۷۵

فرانسوی بنام لو بر M. Le Berre ضمن کاوش‌هایی که در بیست متری شرقی منار جام و در کنار هریرود بعمل آورد در عمق چهار متری آثار باقیمانده دیوار آجری و نمونه‌هایی از کاشیکاری‌های آن عهد را پدست آورد که بقایای دیوار مسجد جامع فیروزکوه میباشد. در شمال این محل نیز آثار پایه پل بسیار بزرگی را نیز کشف کرد که بتوبه خود حائز اهمیت است.

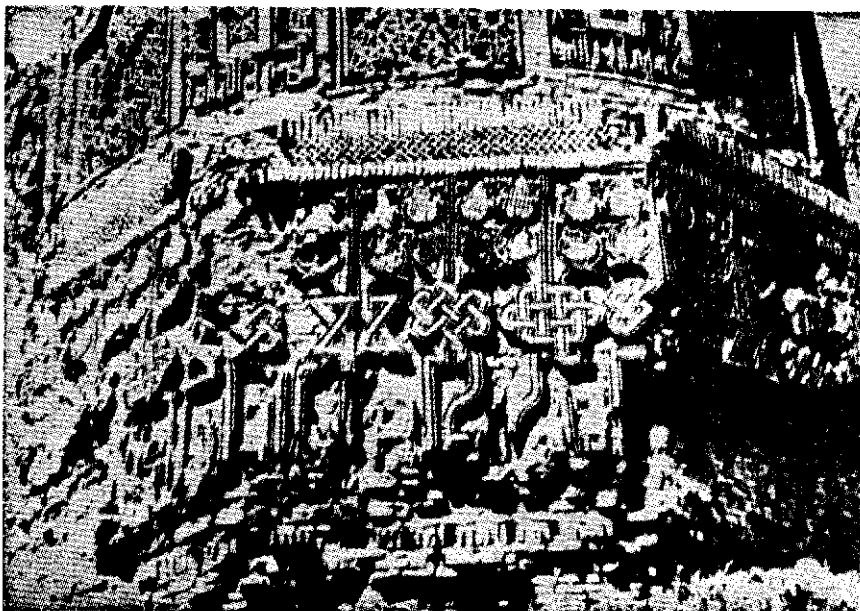
منار جام تماماً از آجر ساخته شده بر روی پایه محکم و هشت ضلعی زیبای آن استوار است (ش ۳) و مشتمل بر چهار طبقه میباشد



(شکل ۳)
منار جام در کنار هریرود

و دو پیش آمدگی گردان که در اصطلاح به آن نعلبکی گویند در فاصله های بسیار مناسب دور تا دور آنرا زینت داده است . این نعلبکی ها که در آغاز با آجرهای زینتی و زیبائی تزیین شده بود اکنون خراب شده و تنها تیرهای قوی چوبی حامل آنها بر جا مانده است . بنای این نوع نعلبکی ها در آن زمان بر روی منارها مرسوم بوده است و ما میتوانیم شبیه آنرا در مناره های متعدد عهد سلجوقی در اصفهان و همچنین در منار بزرگ دهلی بنام قطب که همزمان با منار جام بوده و توسط قطب الدین ایبک ، یکی از غلامان و سرداران معزالدین غوری ساخته شده است ملاحظه نمائیم (ش ۵ و ۱۳ مقایسه شود) .

متاسفانه آجرکاری بسیار زیبای روی این پایه هشت ضلعی تقریباً خراب شده و لطمeh فراوان دیده است (ش ۴) ولی خوشبختانه

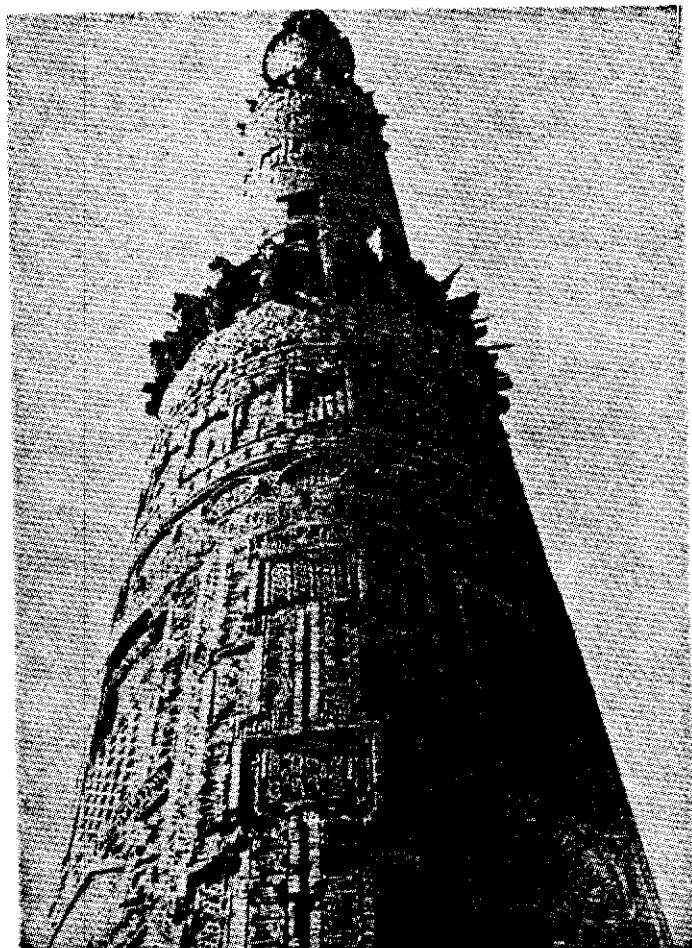


(شکل ۴)

پایه هشت ضلعی منار جام

مقداری از تزیینات روی آن و نوشته‌ها و نقوش هندسی زیبا و خارق العاده اجری آن هنوز بر جا مانده است و نظر هترمندان و هنرشناسان را بسوی خود جلب می‌کند.

زیباترین واژ لحاظ هنر آجرکاری پرارزشترین قسمت این منار طبقه اول آن میباشد. (ش ۵)



(شکل ۵)
طبقه‌های منار و
تعلیکی‌های روی آن

نقوش روی این قسمت که سرتاسر طبقه اول منار را زینت

بخشیده به هشت بخش تقسیم گردیده است که بشکل مستطیل‌های بلند و بطور عمودی در کنار هم قرار گرفته و محیط اطراف طبقه اول منار را پوشانیده است. در وسط هریک از این هشت مستطیل پنج نقش هندسی طاق‌نما مانند که نقوش درون آنها همانند پنجره‌های چوبی مشبک و ظریفی میباشد قرار گرفته است و اطراف آنها را کتیبه‌ای بخط کوفی که بشکل نوار و بطور مارپیچ از دو طرف و از پائین به بالا کشیده شده زینت داده است. کتیبه مزبور که دونوار حاشیه‌ی آن بطور ضرب‌در، چندبار در بالا و پائین طاق‌نماهای مشبک، یکدیگر را قطع می‌کند تا بالای طبقه اول منار و زیر کتیبه اصلی آن کشیده شده است.

کتیبه مزبور شامل متن کامل سوره مریم را در بر دارد.

در قسمت بالای این هشت مربع مستطیل تا زیر نعلبکی اول چندردیف نوارهای پهن زینتی قرار گرفته است. نقش نخستین نوار عبارت است از گل و بوته و برگ‌های نخل. در بالای نوار مزبور نوار پهن سرتاسری دیگری نیز وجود دارد که درون آنرا گل‌های پر برگ مدور یا باصطلاح رزت‌های زیبائی تزیین کرده است. تعداد این گل‌ها ۱۶ بوده و اندازه آنها نیز نسبتاً بزرگ میباشد و سرتاسر اطراف منار را در سطح خود پوشانیده است.

در بالای این نوار و بالای کتیبه‌ای کوفی مجدداً حلقه‌های کوچکتر زینتی از کاشی تعییه کرده‌اند. کمی بالاتر یک کتیبه‌ی افقی بسیار جالب و زیبایی که بخط کوفی بوده و در میان دو حاشیه‌ی بسیار قشنگ جاگرفته است خودنمایی میکند.

آجرکاریهای اطراف این کتیبه که بمنظور زینت آن بکاررفته، مانند سایر قسمتهای منار، کاری است هنری و بسیار زیبا اما جالب‌ترین قسمت این آجرکاری، خطوط کوفی‌آن میباشد، که

برخلاف سایر آجر کاریهای منار از کاشی ترتیب داده شده است . در بالای این کتیبه فیروزه‌ای رنگی مجدداً گلهاي کوچک و ظرفی از کاشی قرار گرفته و در بالای آن نقوش تزیینی هندسی فضای خالی تازیر نعلبکی را پر کرده است .

در فاصله میان دونعلبکی یعنی در قسمت پایین آن، در جایی که دو در خروجی بروی نعلبکی اول قرار گرفته است بخشی از بدنه منار تا ارتفاع در فوچانی، که درست بالای در اول قرار گرفته آجر کاری ساده بکار رفته است و نقشی در روی آن دیده نمیشود . این نعلبکی احتمالاً دارای دو پوشش و دو سطح بوده است زیرا وجود دو در بالای یکدیگر چنین اندیشه‌ای را بوجود می‌آورد .

كمی بالاتر یعنی در بالای در دوم دو کتیبه نوشته شده است که حد فاصل بالا و پایین آنرا نوارهایی که به نقوش هندسی و گل و بوته‌های زیبا و برگهای نخل، آراسته شده، پوشانیده است . این دو کتیبه نیز از آجر بوده بنوبه خود زیبایی خاصی دارد و مهارت و سلیقه‌ی خاص سازنده آنرا نشان میدهد .

درست در بالای کتیبه فوقانی، پایه‌های نعلبکی دوم نصب شده که متأسفانه اکنون فقط آثاری از تیرهای حامل آن باقی مانده است .

در محوطه‌ی بالای نعلبکی، بدنه منار را، همانند بالای نعلبکی نخستین، آجرهای ساده و بدون نقش پوشانیده است که تا بالای سطح در سوم منار ادامه دارد .

از بالای در سوم، که بروی نعلبکی دوم باز میشود، مجدداً آجرهای زینتی با نقش‌های زیبا بکار رفته که بصورت نوار اطراف منار را فرا گرفته است .

در بالای آن نوارها باز هم یک کتیبه‌ی دیگر نقش یافته که بخط

کوفی بوده و همان شیوه و سبک سایر کتیبه‌ها را دارد با فرق آنکه متن زمینه‌ی آن دارای نقوش هندسی است.

در بالای کتیبه مزبور، طبقه‌ی چهارم منار با یک برآمدگی نوار مانندی آغاز گردیده و سپس قسمت آخر منار که به گنبد بسیار کوچکی منتهی میگردد قرار گرفته است.

بمنظور دسترسی به نعلبکی‌ها یا بالکن‌های منار، معمار هنرمند طرح یک پلکان تیز و سراشیبی را ریخته که از سمت شمال پایه هشت ضلع اصلی آغاز گردیده و از مرکز منار در داخل طبقه اول بطور مارپیچ دور زده است و به سطح بالای آن یعنی بروی نعلبکی اول میرسد، آنگاه آنرا از آنجا بسوی بالا ادامه داده و توسط پنج پلکان فرعی تانعلبکی دوم رسانیده است. (ش ۶)

این پله‌ها که طبقه اول و دوم را بهم متصل میکند بر عکس نمای خارجی منار بصورت بسیار ساده ساخته شده است.

طبقه سوم و بالآخره طبقه آخر منار پلکانی ندارد.

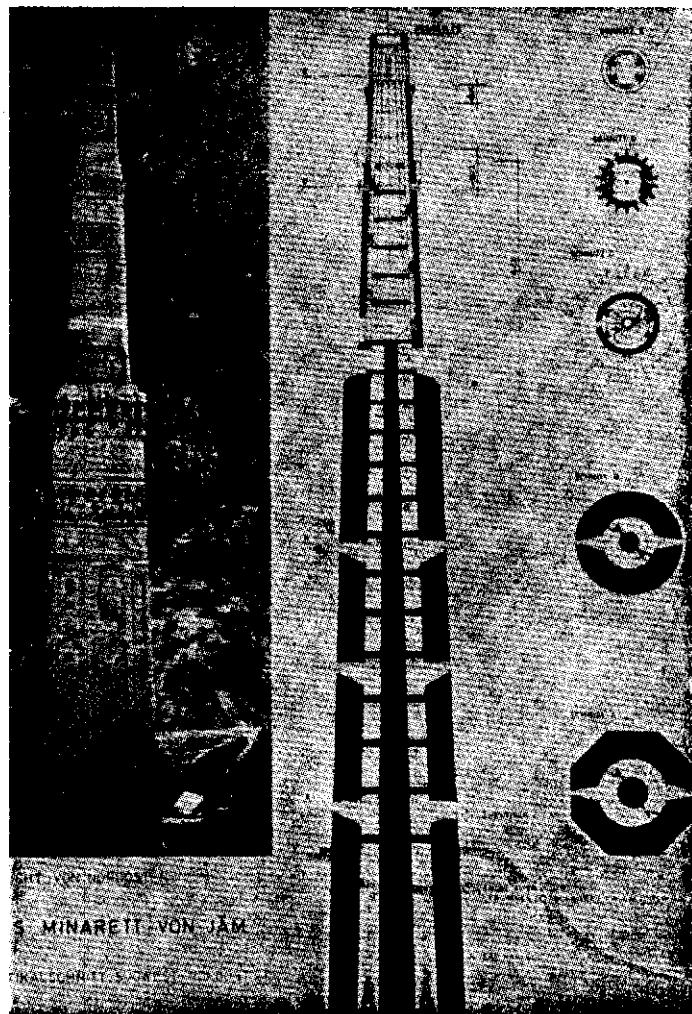
از شاهکارهای بسیار جالب این بنا، همانطور که بدان اشاره شد، کتیبه‌های بسیار زیبای آن است. کتیبه‌ی اصلی این منار همان کتیبه‌ای است که در بالای طبقه اول منار وزیر نخستین نعلبکی قرار گرفته و نوشه‌های آن از کاشی است. متن این کتیبه‌ی آبی رنگ چنین است:

«السلطان المعظم شاهنشاه الاعظم غیاث الدنیا والدين
معزا الاسلام و المسلمين ابوالفتح محمد بن سام.»

واز قسمت دیگر آن متاسفانه فقط جمله زیر باقی مانده است:

«.... قسیم امیر المؤمنین خلد الله ملکه»

دومین کتیبه‌ی کوفی این بنا کتیبه‌ی زیرین طبقه‌ی دوم میباشد که متن آن بشرح زیراست:



(شکل ۶)

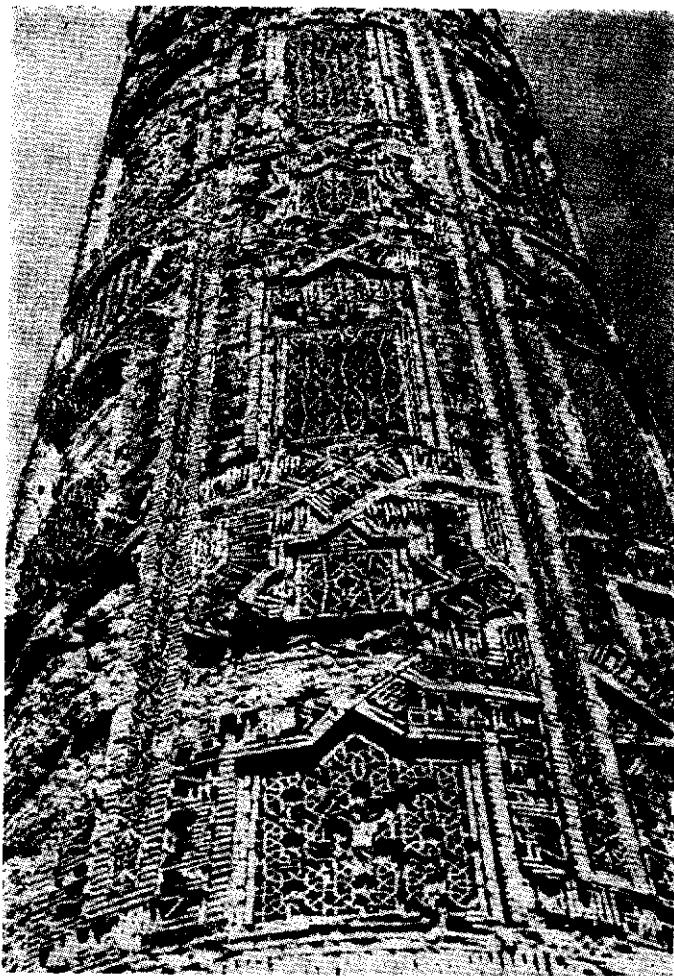
منار جام و مقطع
عرضی آن و ترتیب
قرار گرفتن پله‌های
دروندی

«السلطان المعظم غیاث الدین والدین ابوالفتح محمد بن سام»
نام سازنده و معمار این بنا نیز در قسمت وسط طبقه‌ی اول در

بالای طاق نمای مشبک کاری سوم بخط نسخ چنین آمده است:

«عمل علی بن امیر محمد الله . . .» (ش ۷)

متاسفانه پایان جمله از بین رفته است .



(شکل ۷)
آجر کاری زیبای منار
جام و نام سازنده آن

از چهارمین کتیبه‌ای که، متاسفانه بسبب قرار داشتن در پایین
بناء تقریباً بکلی خراب شده فقط نام «ابوالفتح» باقی مانده است
که مقصود لقب غیاث الدین محمد غوری، بنی بنا باشد.

در کنار کتیبه‌هایی که در بالا بدان اشاره شد، دو کتیبه‌ی دیگر
نیز وجود دارد که در حاشیه‌ی نوار مانندی بر روی منار ترتیب یافته
است. یکی از این کتیبه‌ها دارای متن «اشهدان لا اله الا الله و اشهد

ان محمد رسول الله « میباشد که بعد از کتیبه‌ی سوره مریم قرار گرفته است.

دیگری جمله « نصر من الله وفتح قریب وبشر المؤمنین يا ايها الذین آمنو ... » میباشد که در قسمت بالای طبقه دوم منارجای دارد.

مسجد جامع هرات

از دیگر آثاری که به غوریان نسبت داده‌اند مسجد جامع هرات است. این بنا در سال (۵۹۷ هجری قمری = ۱۲۰۰ میلادی) بفرمان غیاث الدین غوری پایه‌گذاری شد و پس از وی برادر و جانشینش معزالدین غوری ساخته‌مان آنرا بپایان رسانید.

بنابر روایتی قبل از آن زمان بنای چوبینی بهمین نام وجود داشته که دچار آتش سوزی شده است.

در هر حال همه‌ی تاریخنویسان بانی این مسجد را غیاث الدین غوری دانسته می‌گویند که وی آنرا برای فخر الدین رازی ساخته است.

مسجد مزبور بیست سال بعد توسط سر بازان چنگیز خراب شد و در سال (۷۰۶ هجری قمری = ۱۳۰۶ میلادی) توسط سلطان غیاث الدین کرت تعمیر گردید. این بنا بسبب خرابیهایی که یافته بود بار دیگر در سال (۸۵۰ هجری قمری = ۱۴۴۶ میلادی) بفرمان امیر جلال الدین فیروز شاه مرمت یافت. مدت‌ها بعد در زمان حکومت سلطان حسین بایقرا و وزارت میر علی‌شیر نوائی مجدداً مورد تعمیر و نوسازی قرار گرفت.

ترزیبات روی دیوار و کاشی کاری آن پنج سال بطول انجامید. این بنای تاریخی اکنون جزو بهترین آثار باستانی افغانستان

سالهای میان ۵۷۶-۵۷۲ هجری شمسی فرمانروای شمال هند بود. سردار مزبور پس از خراب کردن بیست و هفت پرستشگاه هندی دستور داد تا از ستونها و مصالح آن پرستشگاه‌ها مسجدی به اندازه ۵۰×۴۲ متر مربع بنایند. این مسجد به مسجد قوت‌الاسلام دہلی معروف است.

پیش از آغاز بنا بدستور وی ستونها و مصالحی را که با نقوش انسان و حیوان زینت یافته بود نابود و از بقیه آنها در ساختمان بنا استفاده کردند. (ش ۱۰ و ۱۱)



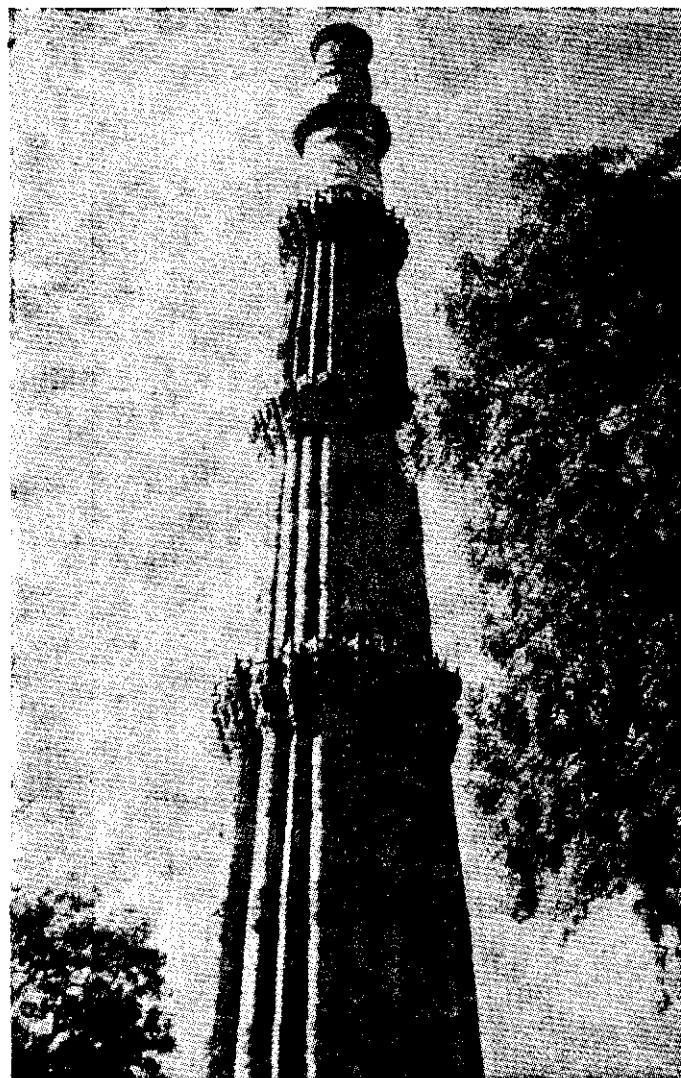
(شکل ۱۱) گوشه‌ای از رواق مسجد قطب دہلی و کتبیه‌های روی ستونها

در بنای این مسجد – که میتوان طرح آنرا تا اندازه‌ای شبیه مسجد جامع اصفهان دانست آثار هنر هندی ، بویژه در تزئینات دیوارهای آن بخوبی آشکار است . (ش ۱۲)

مسجد قوت‌الاسلام بعداز مرگ قطب‌الدین ایبک و در رمان فرمانروایی شمس‌الدین التتمش ۶۱۵-۵۸۰ هجری شمسی توسعه یافته و بصورت کنوئی درآمده است . (ش ۱۳)

منار قطب‌دلی، که در ضلع غربی بنای اولیه مسجد قوت‌الاسلام قرار گرفته است، به بلندی ۷۳ متر بلندترین منار دنیا بشمار میرود. بنای این منار که مقطعی ستاره‌ای شکل دارد ، در سال ۵۷۸ هجری شمسی (۹۶ هجری = ۱۱۹۹ م) آغازگشته و دارای پنج طبقه است که توسط نعلبکی یا گلدسته‌هایی، که بمنظور گردش در اطراف طبقات مختلف منار ساخته شده است ، از یکدیگر مشخص و مجزا بنظر میرسد . (ش ۱۴)

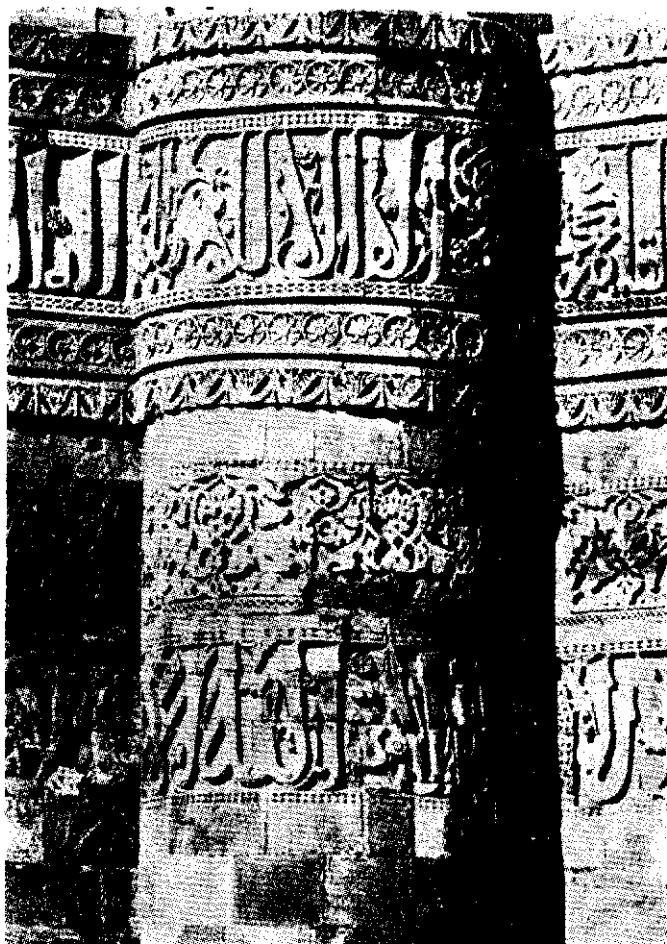
همانطور که گفته شد، چون در بنای این منار مصالح ساختمانی پرستشگاه‌های قدیمی تر هندی مصرف شده و در روی بعضی از سنگهای بکار برده شده نوشته‌هایی بنام شاهزاده معروف «چا. هان» یعنی پریتوی راج سوم موجود است چنین گمان میپردازد که منار قطب یک بنای هندی است ولی نقشه و طرح و بویژه مقطع ستاره‌ای شکل پی و شکل مخروطی آن ثابت میکند که این بنا اقتباسی است از آخرین و بزرگترین سبک مناره‌های قدیمی تر ایرانی. از ویژگیهای هنری این منار کتیبه‌هایی است که بخط کوفی نوشته شده است . درون نوارهای زینتی ، که در فاصله میان کتیبه‌ها قرار گرفته است، نقوش تزیینی شامل گلهای چندبرگ دایره شکل و حلقه‌های درشت آویزه مانند و شاخ و برگهای زیبایی که مسلمان کار هنرمندان هندی است، جای دارد. (ش ۱۵)



(شکل ۱۴)
منار قطب دهلی
در ضلع غربی مسجد
قوت الاسلام دهلی

مسجد اجمیر

این مسجد در سالهای میان ۵۹۷ تا ۶۰۳ هجری قمری = ۱۲۰۰ تا ۱۲۰۶ م. ساخته شده است. مسجد مزبور به مسجد اداره دین کاجمپرا نیز شهرت دارد که به لهجه محلی «بنای دو روزو»

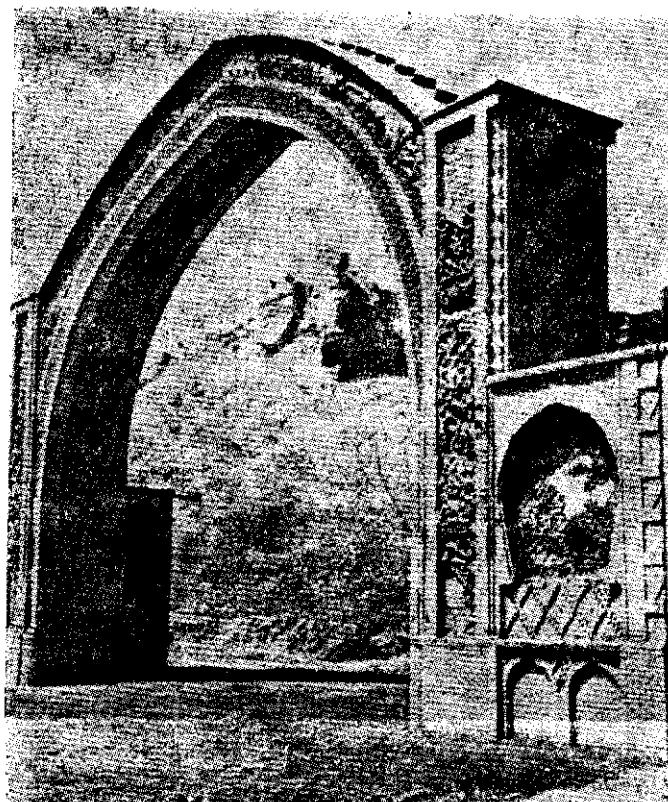


(شکل ۱۵)
قسمتی از کتیبه‌روی
منار قطب دهلى

نیمه» معنی سیدهد . (ش ۱۶) . ارتفاع طاق‌ها و ستونهای این
بنا از مسجد قوت‌الاسلام بیشتر است و بهمین سبب زیباتر بی‌نظیر
می‌رسد . معраб این مسجد از بناهای شمس‌الدین التتمش ، یکی
دیگر از غلامان معزالدین غوری است ، که در سالهای میان ۵۹۹
و ۶۰۸ هجری شمسی ساخته شده است . (ش ۱۷)

طاق مسجد قلعه بست

از دیگر بنایهای که باستانشناسان سبک و طرح آن را مربوط به زمان غوریان یا خوارزمشاهیان میدانند طاق قوسی شکل مسجد قلعه بست (ش ۱۸) است که از آثار هنری زیبای آن دوران بشمار می‌رود. از روی آثاری که در این محل بدست آمده است، میتوان تاریخ بنای شهر بست را از زمان اشکانیان دانست و چنانکه جفر افیادانان اسلامی نوشتہ‌اند شهر بست در آغاز دوران اسلامی از مرکز مهم خاورزمیں بشمار میرفته است و بطوریکه از نوشتہ‌های شاعران پارسی



(شکل ۱۸)
دروازه مسجد قلعه بست

و مورخان و همچنین آثار برجای مانده ، از جمله برج نوشته سنگی
قبرهای (آخرین آنها متعلق به آغاز سده سیزدهم میلادی است)
برمی آید ، این شهر تا حمله مغول همچنان آبادان باقی بوده است
و تنها اثری که پس از حمله مزبور از این شهر معتبر بجای مانده
طاق مسجد قلعه بست است که نمونه‌ای از آثار معماری زمان
غوریان و خوارزمشاهیان می‌باشد.^{۱۴}

چند نفر از باستانشناسان عقیده دارند که شهر بست در حمله
علام الدین حسین غوری صدیقه دیده و خرابی‌هایی به آن وارد شده
است .

طاق قلعه بست چندی پیش مورد تعمیر قرار گرفته و بصورت
کنونی درآمده است.

14— Auboyer, Jeannine : Afghanistan und seine Kunst, Prague 1968, S. 58-9.